

سرشار قراچه داغی (sar.šār-e.qa.rā.čé.dā.qi)، نجف قلی خان فرزند کاظم، - نجف ۱۲۳۴ ق، شاعر، خوشنویس و صورتگر آذربایجانی. اصلش از قراچه داغ و برادر مصطفی قلی خان، حکمران آن جا، بود. به سبب هوش سرشار و شیوه‌ای بیان، برادرش به او بدگمان شد و وی را در دژ شوشا زندانی کرد. پس از درگذشت برادرش از زندان رهایی یافت و به خدمت آقامحمدخان قاجار (- ۱۲۱۲ ق) درآمد. اما دشمنانش از وی چندان بدگیری کردند که به فرمان احمدخان در مراغه زندانی شد و چندی بعد با گزیلیک چشمانتش را درآوردند. وی پس از درگذشت آقامحمدخان به تبریز رفت و در سایه حمایت نایب‌السلطنه عباس‌میرزا (- ۱۲۴۸ ق) قرار گرفت، چنان‌که عباس‌میرزا روستای دیزج خلیلو را به رسم تیول به او داد و برای گذران زندگانی اش مقرری سالیانه در نظر گرفت و او نیز «به ثناخوانی... نایب‌السلطنه ایران زندگانی می‌کرد.» سرانجام در نجف درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد. به نوشته عبدالرزاق دنبلي «سرشار... طبعی سخی و قلبی فسیح و دستی باذل داشت و از صاحبدلان عاقل و امیران کامل... و... کارگزاری وفادار و غمگسار بود.» سرشار در نقاشی، خوشنویسی و پژوهشکی نیز دست داشت و به زبان‌های فارسی، ترکی و عربی شعر می‌سرود. نسخه‌هایی دست‌نویس از کلیات دیوان سرشار، به فارسی و ترکی از غزلیات، رباعیات، مفردات، مثنویات، مادة تاریخ، ساقی‌نامه، مثنوی ندب‌الاسرار، ترکیب بند، ترجیع بند، هجتو و مطابیه و مراثی به شماره ۴۰۵۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره ۱۲۱۴۴/۷ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی و به شماره ۲۷۸۳ در کتابخانه ملی تبریز (با مقدمه‌ای به نثر مسجع) نگهداری می‌شود. نمونه‌ای از سروده‌های او است: «وزره بنده‌نوازی بنواز از وصلش - آن کسی را که به ره دیده هجران دارد» □ «ساقیا فصل بهار آمد و منشین برخیز - باده سال کهن بر قدر تازه بزیر / ... جام مینا و سبو کی به تو سرشار رسد - عیش خود تلغخ مکن خیز به خمخانه گریز».

منابع: تذکرة محمد شاهی، ۴۰۵ - ۴۰۶؛ دانشنیان آذربایجان،

۲۷۸؛ الذریسه، ۱۴۰/۹؛ سخنوار آذربایجان، ۱۰۳/۱ - ۱۰۶؛

شاعران گور، ۲۱۶ - ۲۱۸؛ فهرست کتابخانه ملی تبریز، ۲/۵۷۵ - ۵۷۶؛

فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۳/۱۸۶۱ - ۴/۲۸۷۱؛ فهرست

نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۳۰/۸ - ۳۰/۹؛

نگارستان داراء، ۸۴ - ۸۷.